

روش‌های امام صادق علیه السلام در تفسیر قرآن با نگاهی به روایات تفسیری اهل سنت

حسین خاکپور

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان - گروه علوم قرآن و حدیث

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۱

آگاهی از روش تفسیری معصومان - به‌ویژه امام صادق علیه السلام بنیانگذار مکتب جعفری - نه تنها ما را به سوی استفاده صحیح و روشمند از قرآن رهنمود ساخته، بلکه به ما می‌نمایاند که امام چه موقع از این روش‌ها بهره برده‌اند. ضرورت پرداختن به این موضوع وقتی دوچندان می‌نماید که بدانیم روایات فراوانی از این امام در مصادر تفسیری اهل سنت انعکاس یافته و مفسران عامی‌مذهب به نقل آن‌ها همت گماشته‌اند.

در این مقاله ابتدا روایات تفسیری امام صادق علیه السلام در منابع تفسیری اهل سنت را پی‌جویی و استخراج نموده، آن‌گاه با تتبع در آن‌ها روش‌های به کار رفته از سوی امام را در تفسیر قرآن - نه تأویل آن - مشخص نموده و چنین نتیجه گرفته‌ایم که: صادق آل محمد صلی الله علیه و آله در سخنان گوهربار خود، بسته به ظرفیت شنونده و فضای حاکم، با روش‌های گوناگونی قرآن را تفسیر و تبیین نموده‌اند. آن حضرت گاه معنای لغوی واژگان را بیان نموده و گاه با بیان مصداق یا جری و تطبیق، پرده از ابهام آن برداشته‌اند. ایشان در پاره‌ای از موارد با تمثیلی زیبا مشکل‌ترین مطالب را با زبانی ساده بیان می‌کنند. و این همه غیر از مصداق‌های باطنی است که امام در برخی موارد ارائه کرده، به تأویل آیه می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: امام صادق علیه السلام، روش‌های تفسیری، تفسیر، قرآن، اهل سنت.

درآمد

چهارصدگانه حدیث و معارف اسلامی که منبع و آبشخور کتاب‌های معتبر بسیاری بوده دستاورد شاگردان با کفایت

امام صادق علیه السلام پایه‌گذار دانشگاه بزرگ جعفری است و در درک عظمت و شکوه آن کافی است که گفته شود اصول

و فارغ التحصیلان آن دانشگاه می‌باشد. وجود بی‌بدیل امام به شیعه ختم نمی‌شود، بسیاری از بزرگان اهل سنت به‌خصوص امامان چهارگانه آن‌ها، مستقیم یا غیر مستقیم، از این بیت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ارتزاق نموده‌اند. بسیاری از اندیشمندان اهل سنت احادیث تفسیری این امام را در کتاب‌های خود نقل نموده و گاه آن را بر سایر روایات ترجیح داده‌اند، لذا ضرورت پرداختن به موضوع حاضر، دو چندان می‌نماید؛ زیرا روشن می‌شود که تأثیر امام در این منابع هم شایان توجه است.

قرآن و عترت از دید امام

حضور قرآن در کنار عترت به استناد حدیث ثقلین همیشگی است، قرآن کتاب صامت است و عترت کتاب ناطق و آنچه قرآن را به نطق درمی‌آورد عترت است. عترت به‌سان قرآن همیشه بوده، هست و خواهد بود و هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود. درباره قرآن به امام عَلَيْهِ السَّلَام عرض شد: چرا شعر و خطابه به هنگام تکرار خسته‌کننده و ملالت‌آور می‌باشند، ولی قرآن این‌گونه نیست؟ حضرت فرمود: «قرآن حجت و سند نسل آینده و روزگار

آینده است، آن‌گونه که حجت نسل پیشین می‌باشد؛ از این‌رو قرآن همیشه باطراوت و تازگی و شادابی می‌باشد»^۱.

آن امام همام قرآن را راست‌گوترین سخن و بهترین هدایت را هدایت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌داند و کلام خود را به قول رسول خدا مستند می‌نماید.

مصحب بن سلام از جعفر بن محمد صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پدر بزرگوارشان از جابر بن عبدالله روایت نموده که: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برایمان خطبه خواند، ایشان پس از حمد و ثنای خداوند آن‌گونه که شایسته اوست فرمود: «فإن أصدق الحديث كتاب الله و إن أفضل الهدى، هدى محمد و ...»^۲؛ راست‌ترین سخن قرآن و بهترین هدایت، هدایت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است».

آن امام همام به ما می‌آموزد که راه رسیدن به هدایت قرآن درک جایگاه عترت است؛ زیرا قرآن جدای از عترت

۱. تفسیر عبدالرزاق، ج ۱، ص ۹؛ تفسیر ابن عطیة، ص ۴ مقدمه؛ مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۶؛ عقیقی بخشایشی، امام صادق پیشوا و رئیس مذهب، ص ۱۶۴.

۲. ابن کثیر، فضائل القرآن، ج ۷، ص ۵۱۱؛ ابونعیم این حدیث را ثابت و صحیح می‌داند؛ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۸۵.

نیست: «القرآن نصفه فینا و نصفه فی عدوّنَا و الذی فی عدوّنَا فهو فینا»^۱؛ قرآن نصفش در مورد ما و نصف آن درباره دشمنان ماست و آنچه درباره دشمنان ماست در حقیقت درباره ماست. (یا حب اهل بیت است یا بغض اهل بیت و تمام آن به گونه ای به اهل بیت مربوط است). شهرستانی این حدیث را در تأیید قول خودش می آورد که تمام قصص قرآن ذکر دو فرقه مؤمن و کافر، و نیکان و بدان است.

امام صادق علیه السلام ذیل آیه «انما انت مُنذرٌ و لکلّ قوم هادٍ» (رعد/۷) می فرماید: «کلّ امام هادٍ لکلّ قوم فی زمانهم»^۲؛ هر امامی برای قوم زمان خودش هادی است.

عترت حجت خدا بر زمین و امنای او بر خلقش هستند و بر تمامی مسلمین است تا به این دو (قرآن و عترت) رجوع نمایند. امام صادق علیه السلام در جواب سؤال

سدیر الصیرفی که عرض کرد: هر کس درباره شما چیزی می گوید، عده ای می گویند بر شما وحی می شود و برخی می گویند امام با کتاب گذشتگانش فتوا می دهد و گروهی می گویند در خواب می بیند و ...، می گوید: «از اینها هیچ کدام را مگیر. ما حجت خدا بر زمین هستیم و امنای او بر خلقش. حلال ما از کتاب خدا و حرام ما نیز از آن است».

با تأمل در این گونه روایات و احادیث دیگر امام می توان نتیجه گرفت: راه دستیابی به حق و قرار گرفتن در صراط مستقیم و دوری از کجی و انحرافات، تمسک به قرآن و سنجش قول و فعل آدمی با کتاب خداست. قرآن یگانه راه برون رفت از بن بست است آن گاه که با تعالیم روحبخش ائمه اطهار تفسیر، تأویل و تبیین می شود. اگر کلام و رفتار آدمی در تمام جوانب زندگی از آیات و مقاصد قرآنی به دور باشد، ارزشی ندارد و اگر موافق و همسو با قرآن باشد، ارزشی والا پیدا می کند.

روش های امام صادق علیه السلام در تفسیر قرآن

همان طور که می دانیم بخش عظیمی از روایات تفسیری به پیشوای ششم امام

۱. شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ج ۱، ص ۲۲۶.
۲. قندوزی، ینابیع المودّة، ج ۱، ص ۲۳۶، باب ۲۶؛ همان، تحقیق سید علی جمال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ و در مصادر شیعه: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۷، باب ۸۵، حدیث ۹؛ غایة المرام، ۲۳۵، باب ۳۱، حدیث ۶.

می‌کردند که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- تفسیر لغوی

شماری از روایات تفسیری امام علیه السلام به شکلی است که در تبیین آیات، تنها یک واژه یا برخی از واژگان آیه را معنی نموده است. این روش غالباً در مواردی به کار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته، بلکه با بیان معنی واژگان دشوار، مفهوم آیه برایش آشکار می‌شده است. در واقع این‌گونه روایات حکم از ترجمه کلمه را دارند.^۳

۱-۱. قال جعفر بن محمد بن علی بن الحسین رضی الله عنهم: «والنجم؛ یعنی محمد صلی الله علیه و آله و إذا هوی، إذا نزل من السماء ليلة المعراج»؛^۴ از امام صادق علیه السلام روایت شده که نجم محمد صلی الله علیه و آله و «إذا هوی» نزول ایشان از آسمان در شب معراج است.

۳. رستمی، آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، ص ۱۸۹.
۴. تفسیر قرطبی، ج ۱۷، ص ۸۳؛ تفسیر مظهری، ج ۹، ص ۷۶ (الهوی النزول)؛ بغوی، معالم التنزیل، ج ۴، ص ۲۲۳. (ذیل نجم/۱).

جعفر بن محمد علیه السلام منسوب می‌باشد که در شرایط گوناگون، با استفاده از گونه‌های مختلف تفسیری به شرح و تفسیر آیات کریمه دست می‌یازیدند. این روایات باقی‌مانده چنانچه از اسناد و محتوای معتبری برخوردار بوده به‌طوری که انتساب آن به امام علیه السلام قطعی باشد، مراد خداوند متعال خواهد بود.

شهرستانی از مفسران اهل سنت، طریق امام صادق علیه السلام را در تفسیر طریق سلامت و علم ایشان را علم الهی می‌داند^۱ و می‌گوید: خداوند با کتابش قرآن بر بندگانش تجلی می‌کند و این را از کلمات جعفر بن محمد الصادق می‌توان فهمید.^۲

آن حضرت با توجه به ظرفیت علمی افراد و توانایی و استعداد آن‌ها از شیوه‌های مختلفی همانند تشبیه، تمثیل، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر به مأثور و ... برای تبیین و توضیح آیات استفاده

۱. مفتاح الاسرار، ج ۱، ص ۱۹۷.
۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۷ «ان الله تعالی تجلی لعباده بکتابه لما من کلمات الصادق جعفر بن محمد رضوان الله و سلامه علیه». شایان ذکر است از بزرگان اهل سنت درباره امام سخنان بسیاری رسیده که از حوصله بحث خارج است.

۱-۲. از امام صادق علیه السلام ذیل آیه **﴿إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾** (حجر/۷۵) روایت شده که معنای «متوسمین، تیزهوشان و نازک‌بینان است»^۱. البته امام در احادیث دیگری مصداق اتم آن را اهل بیت دانسته‌اند.

۱-۳. از امام صادق علیه السلام ذیل آیه **﴿وَاتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِيَمَانٍ﴾** (طور/۲۱) روایت شده که ایشان معنای «اتبعتهم» را «بیمیل اعمال آبائهم»^۲؛ مایل شدن به اعمال پدرانشان دانسته‌اند.

۲- تفسیر به مأثور

اصطلاح تفسیر به مأثور عام است و تفسیر قرآن با روایت و قرآن با کلام صحابه و تابعین را دربر می‌گیرد. از تفسیر به مأثور به عنوان تفسیر نقلی نیز یاد می‌شود که در تفسیر آیه از اثر و نقل نیز بهره می‌گیرند؛ خواه آن اثر و نقل

۱. آلوسی، روح المعانی، ج ۱۴، ص ۷۴؛ سیوطی، الدر المشهور ج ۵، ص ۹۰؛ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۹؛ نمونه‌هایی دیگر را بنگرید در: تفسیر قرطبی، ج ۱۷، ص ۱۶۹؛ تفسیر مظهری، ج ۸، ص ۲۵۷؛ روح المعانی، ج ۱۴، ص ۷۸؛ محرر الوجیز، ج ۱، ص ۶۵.

کلام معصوم علیه السلام و یا کلام غیر معصوم مانند صحابه باشد. آنچه در تفسیر به مأثور اصل قرار می‌گیرد همان اثر است.^۳
۱-۲. در مناقب خوارزمی ذیل آیه **﴿مَمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾** (اعراف/۱۸۱) روایت شده: امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود از علی رضی الله عنهم آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی مثل تو مثل عیسی بن مریم است که آن‌ها سه فرقه شدند: گروهی مؤمن، که آن‌ها حواریون بودند. گروهی دشمن عیسی، که آن‌ها یهود بودند و فرقه‌ای غلو کردند و از دین خارج شدند، که آن‌ها جماعت نصاری بودند. امت من به زودی نسبت به تو سه فرقه می‌شوند: عده‌ای پیرو تو و تو را دوست دارند؛ آن‌ها مؤمنان هستند. دسته‌ای دشمن تو اند و آن‌ها ناکثین، مارقین و قاسطین هستند و عده‌ای در تو غلو نموده‌اند و آن‌ها گمراهان‌اند.^۴

۲-۲. از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از علی علیه السلام ذیل آیه **﴿إِنْ**

۳. مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۲۷.
۴. خوارزمی، المناقب، ص ۳۱۷؛ ینابیع المودة، ص ۲۵۶، باب ۳۵.

الذین سبقت لهم منا الحسنی ﴿﴾ (انبیاء/۱۰۰) روایت شده که ایشان فرمودند: «رسول خدا به من گفتند: این آیه درباره شما نازل شده است»^۱.

در این حدیث امام به طریق مأثور، شأن نزول آیه‌ای را درباره علی علیه السلام از زبان مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند. شایان ذکر است تقریباً در تمام روش‌های تفسیری امام صادق علیه السلام تفسیر مأثور به چشم می‌خورد که گاه سند به امام باقر علیه السلام از جابر از رسول خدا ختم می‌شود و گاهی هم به سند ائمه بزرگوار از رسول خدا صلی الله علیه و آله یا علی علیه السلام نقل نموده‌اند.

۳- تفسیر ادبی

در برخی روایات امام صادق علیه السلام دیده می‌شود که ایشان گاه کلام و برداشت خود را به قاعده‌ای از قواعد ادبیات عرب مستند می‌سازند و گاه در ضمن بیان تفسیر، نکات ادبی را یادآور

می‌شوند؛ به عنوان نمونه از آن حضرت درباره تفسیر آیه ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (آل عمران/۵۹) سؤال شد، ایشان فرمود: معنایش این است که مثل عیسی در خلق همچون مثل آدم است که هر دو از غیر پدر به وجود آمدند. پس به عیسی گفته شد: «کن فیکون». پس «ها» اول در «خلقه» به آدم برمی‌گردد و «ها» دوم «در ثم قال له» به عیسی برمی‌گردد.^۲ گفتنی است بغوی در معالم التنزیل ذیل آیه این قول را برگزیده است؛^۳ اما نامی از امام صادق علیه السلام نمی‌برد و شیخ طبرسی هم در مجمع البیان^۴ این سخن را می‌گوید، اما از گوینده آن یاد نمی‌کند.

۴- تفسیر قرآن به قرآن

یکی دیگر از اسلوب‌های ویژه که امام صادق علیه السلام برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق و حیانی به کار برده‌اند، روش تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد. در این روش،

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸۴؛ نمونه‌هایی دیگر از

تفسیر مأثور امام را بنگرید در: تفسیر مظهری، ج ۷، ص ۱۰۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۱۶۶؛ تفسیر السدر المشور، ج ۳، ص ۱۹۳ و ج ۲، ص ۱۸۰.

۲. ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۱۷۷.
۳. معالم التنزیل، ج ۱، ص ۳۰۹.
۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۲. نمونه‌ای از این روش در شیعه: البرهان، ج ۱، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۴-۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده که ایشان به سفیان ثوری در ضمن حدیثی می فرماید: حمد خدا باعث زیادی نعمت می شود؛ چون خدا می فرماید: ﴿لئن شكرتم لأزيدنكم﴾ (ابراهیم/۷). استغفار باعث می شود که روزی انسان زیاد شود؛ زیرا خدا می فرماید ﴿استغفروا ربکم إنه کان غفّاراً﴾ * یُرسل السماء علیکم مدراراً* (نوح/۱۰ و ۱۱) و «لا حول و لا قوّة الا بالله» کلید هر گشایشی است.^۳

۵- استفاده از جری و تطبیق در تفسیر آیات

«جری» در لغت به معنای روان شدن و جریان داشتن می باشد.^۴ جری به معنای جریان داشتن، تعبیری است که خود ائمه

→ (ان رجلاً سأل علیاً عن الهدی مم هو، قال: من الثمانية الأزواج...).

۳. الدرّ المنثور، ج ۵، ص ۱۸؛ تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۴۴۲؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۹۳؛ ابن جوزی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۱۶۸، رقم ۱۸۶؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۶۱، رقم ۱۱۷؛ ابن صباغ، الفصول المهمه، ج ۶، ص ۲۲۳؛ حمدون، التذکرة الحمدونیة، ج ۱، ص ۱۱۴، رقم ۲۲۱؛ راغب اصفهانی، محاضرات الادباء، ج ۲، ص ۴۶۷.

۴. قرشی، قاموس القرآن، ج ۲، ص ۳۰.

هر آیه به وسیله آیات هم لفظ و هم محتوا کشف و دریافت می شود. بنابراین در این شیوه هدف مفسر آن نیست که مفاهیم آیه ها را به سمت مشخصی هدایت کند، بلکه می کوشد - از نگاه خود - به قلمرو تفسیر و فهم آیه راهی بگشاید. قرآن که بیانگر همه چیز است قطعاً مبین خود نیز هست. تمام دانشمندان بر آنند که شریف ترین و بهترین انواع تفسیر استفاده از خود قرآن است؛ زیرا هیچ کس آگاه تر به مفاهیم کلام الهی از خداوند متعال نیست.^۱

۴-۱. از امام صادق علیه السلام (به سند پدران بزرگوارشان از امام علی علیه السلام) نقل شده که شخصی درباره قربانی «هدی» سؤال کرد که شامل چه حیواناتی می شود و امام با توجه به آیات ﴿یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمة الأنعام﴾ (مائده/۱) و ﴿لیذکروا اسم الله علی ما رزقهم من بهیمة الانعام﴾ (حج/۳۴) و ﴿من الضأن اثنین و من المعز اثنین﴾ (انعام/۱۴۳)، بیان فرمودند که قربانی باید از هشت حیوان نام برده باشد.^۲

۱. علوی مهر، روش ها و گرایش های تفسیری، ص ۶۷؛ روش های تفسیر قرآن، ص ۶۸.

۲. الدرّ المنثور، ج ۳، ص ۱۹۳ (ذیل انعام ۸۴-۸۵)؛

←

برای بیان استمرار پیام قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآنی است بر مصادیقی غیر از آنچه درباره آن‌ها نازل شده است؛ به گونه‌ای که از مخاطبان اولیه خود گذر کرده و بر افرادی که در قرن‌های بعد می‌آیند، منطبق می‌شوند.^۱

در روایات، بسیاری الفاظ و آیات قرآن کریم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و مخالفان آن‌ها انطباق یافته است. ادله‌ای که می‌تواند امر جری و تطبیق در روایات تفسیری را تأیید نماید، متعددند. پاره‌ای از آن‌ها خود اخبار جری می‌باشند که در آن‌ها بر دائمی بودن احکام و معارف قرآن و استمرار خطاب قرآن به مصادیق جدید تأکید شده است.^۲

۵-۱. به عنوان نمونه: حاکم حسکانی ذیل آیه ﴿و نرید ان نمئن علی الذین استضعفوا فی الارض...﴾ (قصص/۵) می‌گوید: از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی، حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرد و گریه نمود و سپس گفت: شما پس از من

۱. میرباقری، ظاهر قرآن و باطن قرآن، ص ۲۳۶.
۲. شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۱۴۹.

«مستضعف» هستید. مفضل پرسید: پس معنای آیه چه می‌شود؟ رسول خدا گفت: معنایش این است شما ائمه پس از من هستید، خداوند می‌گوید: «و نرید...» این آیه تا روز قیامت در مورد ما جاری و ساری است.^۳

۵-۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده «مائیم جبل الله که خداوند فرمود به آن چنگ زنید و متفرق نشوید».^۴ و نیز روایت شده که ایشان مصداق «اولوالامر» را امامان اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند.^۵

۵-۳. در تفسیر روح المعانی ذیل آیه ﴿ثم آورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا﴾ (فاطر/۳۲) می‌گوید: امامیه از صادق و باقر رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که مراد از آیه فقط ما اهل بیت هستیم و ائمه برگزیدگان کسانی هستند که کتاب را به ارث برده‌اند. آلوسی می‌گوید طبرسی این قول را برگزیده است و در تفسیر مجمع البیان گفته که

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۱.
۴. الکشف والبیان، ذیل آیه آل عمران/۱۰۳؛ ینابیع المودة، ص ۱۹، باب ۵۸؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۵۱.
۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۵؛ ینابیع المودة، ص ۲۶۷، باب ۳۸.

این نزدیک‌ترین قول است؛ زیرا آن‌ها شایسته‌ترین مردم هستند که دارای اوصاف و شایستگی‌های انبیاء می‌باشند. آلوسی می‌گوید: شاید کلام را بتوان با حدیث ثقلین «انی تارک فیکم...» تقویت نمود و میان این دو رابطه‌ای برقرار کرد، اما به نظر من حمل آیه بر تمام علمای امت بهتر است و علمای اهل‌بیت به طریق اولی داخل آن هستند، زیرا در خانه آن‌ها قرآن نازل شده است و این دو (قرآن و عترت) جدا نمی‌شوند تا این‌که روز قیامت در حوض بر رسول خدا وارد شوند.^۱

اقرار آلوسی - که به تعصب مشهور است - به همین اندازه هم جای شگفتی دارد؛ چون به نوعی سخن شیخ طبرسی را تأیید می‌کند که این خاندان محل نزول قرآن و عدل آن هستند و هیچ‌گاه از قرآن جدا نمی‌شوند. علاوه بر این، آلوسی در صفحه بعد مطالبی را بیان نموده و بدون اظهار نظر می‌گذرد که نشان می‌دهد حداقل در برخی موارد با شیعه هم‌رأی و نظر است.^۲

۱. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۹۵.

۲. همان ج ۲۲، ص ۱۹۶، اگر این گفتار آلوسی را با

←

۴-۵. ذیل آیه ﴿فاسئلوا اهل الذکر ان کتم لا تعلمون﴾ (نحل/۴۳) روایت شده که: راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: عده‌ای در ﴿فاسئلوا اهل الذکر﴾ می‌گویند مراد از ذکر، تورات است و اهل ذکر، علمای آن‌ها هستند، امام فرمود: به خدا قسم در این صورت آن‌ها ما را به دین خودشان می‌خوانند، بلکه به خدا قسم ما اهل ذکر هستیم که خداوند مردم را امر نموده از ما سؤال نمایند. از علی علیه السلام هم این‌گونه روایت شده است.^۳ در این‌گونه روایات مشاهده می‌شود که ایشان آیه‌ای از قرآن را بر شخص یا گروهی خاص جاری و ساری ساخته یا آن را درباره اهل‌بیت علیهم السلام دانسته‌اند؛ زیرا قرآن حجت بر تمام روزگاران است و این از اسرار ماندگاری قرآن در بستر زمان است.

شایان ذکر است استفاده از این شیوه را می‌توان در جای‌جای روایات امام

→ سخن دیگر او که تصریح می‌کند ائمه اهل‌بیت صراط مستقیم و عروة الوثقی هستند کنار یکدیگر قرار دهیم جایگاه بی‌بدیل اهل‌بیت علیهم السلام در سخن او آشکار می‌شود.

۳. تفسیر شهرستانی، مقدمه، ج ۱، ص ۲۰.

صادق عليه السلام مشاهده کرد^۱ که به همین اندک بسنده می‌کنیم.

۶- استفاده از تشبیه و تمثیل در تفسیر آیات

تشبیه از ارزنده‌ترین و برترین انواع بلاغت است. تشبیه در لغت همان تمثیل است. از این‌رو واژه‌های تشبیه، تمثیل و مماثلت دارای مفاد مشترک می‌باشند و در اصطلاح عبارت است از پدید آوردن مماثلت و مشارکت حداقل میان دو شیء در یکی از ویژگی‌ها و هدف از آن اظهار مشکل‌ترین مطالب در قالب روشن‌ترین عبارات و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است؛ خواه هر دو طرف تشبیه محسوس یا عقلی یا متفاوت باشد.^۲

آن امام همام نیز در برخی موارد از

این شیوه بهره برده‌اند که بیشتر در مسائل کلامی به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه از ایشان درباره آیه ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرِ الْأَرْضِ﴾ سؤال شد، امام فرمود: «تبدل خبزة يأكل منها الخلق يوم القيامة»^۳؛ در آن روز زمین به نانی تبدیل گردد که مردم از آن می‌خورند.

در این حدیث امام کلام خود را با تشبیهی بیان نموده‌اند.

۷- تفسیر آیات با توجه به اسباب نزول

از ویژگی‌های روش عقلا این است که مقصود سخن را با توجه به شرایطی که کلام در آن صادر شده به‌دست می‌آورند، یعنی علت و سبب آن گفتار، زمان و مکانی که کلام گفته شده است و فرهنگ و ذهنیت مردم آن زمان، همه این‌ها را در مشخص شدن معنای کلام تأثیرگذار می‌بینند. امام صادق عليه السلام نیز این

۱. نمونه‌هایی دیگر از این روش: تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۹۰، (ضحیٰ/۱)؛ ج ۱، ص ۱۱۱ (شعراء/۸۰)؛ جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۳۶، (نمل/۸۹)؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۹۸، (نمل/۸۹-۹۰)؛ شوکانی، فتح القدير، ج ۲، ص ۱۴۰، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۶۶؛ ینابیع المودة، ص ۲۳۵، باب ۲۸، و ص ۲۳۸، باب ۲۹.
۲. ابن ناویا، الجمان فی تشبیهات القرآن، ص ۲۰۵.

۳. نحاس، معانی القرآن، ج ۳، ص ۵۴۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۳۸۴، این حدیث از امام باقر عليه السلام هم نقل شده است و نیز نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۵۷ (از امام صادق عليه السلام). نمونه‌هایی دیگر در منابع شیعه: البرهان، ج ۳، ص ۱۷۳؛ آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، ص ۱۸۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۵۴.

روش را در کلام خود به کار گرفته‌اند.

۷-۱. صالح بن سهل از جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمود: آیه **﴿كُلُّ شَيْءٍ أَحْصِيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مَّبِيْنٍ﴾** (یس/۱۲) در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده. عمار یاسر رضی الله عنهما گوید: من با امیرالمؤمنین علیه السلام راه می‌رفتیم، عبور کردیم به جایی که پر از مورچه بود. من عرض کردم: ای امیرالمؤمنین از خلق خدا کسی هست که شماره این مورچه‌ها را بداند، فرمود: بلی ای عمار! من می‌شناسم مردی را که داناست به شماره آن‌ها و عالم است به این که آن‌ها چه مقدار مؤنث و چه اندازه مذکر است. عرض کردم: آن مرد کیست؟ فرمود: ای عمار نخواندی در سوره یس **﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصِيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مَّبِيْنٍ﴾** عرض کردم: ای مولای من قرائت کرده‌ام. فرمود: آن امام من هستم.^۱

۷-۲. عن جعفر الصادق علیه السلام قال فی قوله: **﴿كَفَى اللهُ الْمُؤْمِنِيْنَ الْقِتَالَ﴾** (احزاب/۲۵) «بعلی؛ لأنه قتل عمرو بن عبد ود»^۲ از امام صادق علیه السلام روایت شده

۱. ینابیع المودة، ص ۱۷۷، باب ۱۴: البرهان، ج ۴، ص ۶، حدیث ۷ (از امام صادق علیه السلام).
۲. روح المعانی، ج ۲۱، ص ۱۵۶: الدر المشور، ج ۲،

←

که در مورد سخن خدای تعالی فرمود: خداوند مؤمنین را به قتال علی بن ابی طالب کفایت می‌کند؛ زیرا او عمرو بن عبد ود را کشت.

در تفسیر روح المعانی هم روایت شده که ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابن مسعود روایت کرده‌اند که «انه لقرأ هذا الحرف و کفی الله المؤمنین القتال بعلی بن ابی طالب»، سپس آلوسی می‌گوید در مجمع البیان این حدیث از ابی عبدالله روایت شده است.^۳ گفتنی است قرأ در این جا به معنای فسّر است و روایت ابن مسعود از اضافات تفسیری به‌شمار می‌آید که روایت قندوزی در ینابیع و دیگران آن را تأیید می‌کند.

۷-۳. در کتاب اسباب النزول واحدی از امام صادق علیه السلام از پدرشان از جابر ذیل آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾** (بقره/۲۶۷) روایت شده که

→
ص ۳۱۹: کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۳۶.
۳. روح المعانی، ج ۲۱، ص ۱۷۵: ینابیع المودة، ص ۲۲۱، باب ۲۳: الدر المشور، ج ۵، ص ۱۹۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵، حدیث ۶۳۴؛ و در منابع شیعه: غایة المرام، ص ۴۲۰، باب ۱۷۰، حدیث ۱ و ۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۳.

رسول خدا دستور دادند از خرماهای خوب زکات فطره بدهند و فردی از خرمای نامرغوب زکات فطره داد؛ پس این آیه نازل شد.^۱

۴-۷. ذیل آیه ﴿هو الذی آتدک بنصره و بالمؤمنین﴾ (انفال/۶۲) ابو نعیم حافظ به سند خود از ابوهریره و از ابی صالح از ابن عباس و نیز از امام صادق (رضی الله عنهم) روایت شده که گفته‌اند این آیه در شأن علی علیه السلام است و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نوشته شده است بر عرش: «لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد عبدی و رسولی، ایتده و نصرته بعلی بن ابی طالب»؛ نیست معبود بحق سزاوار پرستش مگر خدا که یکتاست و شریک ندارد. محمد بنده و فرستاده من است. کمک و نصرت دادم او را به علی بن ابی طالب.^۲

۱. واحدی، اسباب النزول، ص ۴۷۸ (امر النبی بزکاة الفطر بصاع من تمر)؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۹.
۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۳، حدیث ۲۹۹ و ج ۱، ص ۲۲۴، حدیث ۳۰۰؛ ابن بطریق، خصائص الوحی، ص ۱۷۸، حدیث ۱۳۲؛ الكنجدی، کفایة الطالب، ص ۲۳۴، باب ۶۲؛ ترجمة الامام علی (ابن عساکر)، ج ۲، ص ۴۱۸، حدیث ۹۳۴؛ ینابیع المودة، ص ۲۲۲، باب ۲۳.

نتیجه گیری

با تتبع در بیانات گوهربار ششمین اختر تابناک آسمان ولایت، صادق آل محمد صلی الله علیه و آله در روایات تفسیری اهل سنت، روش‌ها و گونه‌های مختلفی از تفسیر را مشاهده می‌کنیم که امام بسته به شرایط موجود و در سطح درک سؤال‌کننده قرآن را تفسیر می‌نمود، که موارد ذیل از آن جمله است:

۱- تفسیر لغوی: در این روش امام فقط به توضیح واژه می‌پردازد، گاهی با بیان مصداق واژه معنای آن را روشن می‌سازد و گاهی معنی آن را بیان می‌دارد. این‌گونه تفسیر را اولین قسم تفسیر می‌توان دانست.

۲- تفسیر ادبی: در این روش، امام برداشت خود را از آیه با کمک قواعد عربی توضیح می‌دهد، یا ضمن تفسیر به نکته‌ای ادبی هم اشاره می‌کند.

۳- تفسیر قرآن به قرآن: از آن‌جا که قرآن مبین خود می‌باشد، امام گاه برای تفسیر آیه‌ای از آیه‌ای دیگر کمک می‌گیرد. این قسم را می‌توان متقن‌ترین نوع تفسیر به‌شمار آورد.

۴- استفاده از روایت: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه از روایتهای پدران خود و رسول خدا صلی الله علیه و آله استفاده می‌کند. این‌گونه روایات دو قسم است؛ گاه به جابر از

رسول خدا و گاه به امام علی علیه السلام از رسول خدا ختم می شود.

۵- استفاده از تشبیه و تمثیل: امام در این روش، مشکل ترین مطالب را با تمثیل های بسیار ساده بیان می کند.

۶- تفسیر از راه جری و تطبیق: در این روش، امام آیه ای را بر غیر آنچه در مورد آن نازل شده، جاری می کند. شایان ذکر است آنچه بیان شد، جدای از تأویلات امام صادق علیه السلام است که پرداختن به آن مجال دیگری می طلبد.

منابع

- ۸- حسکانی، عبید الله بن احمد الحنفی، *شواهد التنزیل لقواعد التفصیل*، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق.
- ۹- حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی، *تذکره الحمدونیه*، تحقیق احسان عباس و بکر عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۶م.
- ۱۰- الخوارزمی، الموفق بن احمد، *مناقب الامام علی*، تحقیق الشیخ مالک المحمودی، قم.
- ۱۱- الذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الأرنؤوط و علی ابوزید، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۶ق.
- ۱۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *محاضرات الادباء*، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیة.
- ۱۳- سبط ابن جوزی، *تذکره الخواصر*، تحقیق الشیخ حسین تقی زاده، بیروت، مؤسسه اهل البیت، ۱۴۲۶ق.
- ۱۴- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الدرر المنثور*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
- ۱۵- شاکر، محمد کاظم، *روش های تأویل قرآن*، انتشارات قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، زمستان ۱۳۷۶.
- ۱۶- الشبلنجی، مؤمن بن حسن بن مؤمن، *نور الابصار*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۱۷- الشوکانی، محمد بن علی، *فتح القلید*، اعتنى به یوسف الغوش، بیروت، دار المعرفة.
- ۱۸- الصنعانی، عبد الرزاق بن همام، *تفسیر*

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن بطریق، یحیی بن حسن الحلّی (المعروف بابن البطریق)، *خصائص الوحی المبین*، تحقیق محمد باقر محمودی، طهران، منشورات مطبعة وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ۳- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد ابوالفرج، *صفة الصفوة*، تحقیق محمود فاخوری، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.
- ۴- ابن صباغ مالکی، نورالدین، *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف.
- ۵- ابن عطیه، ابی محمد عبدالحق، *تفسیر المحرر الوجیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲م.
- ۶- اسفرائینی، *تفسیر تاج التراجم*، تهران انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۷- الجوینی، ابراهیم، *فرائد السمطین*، بیروت،

- تحقيق محمود محمد عبده، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ١٩- عقيقى بخشايشى، عبد الرحيم، امام صادق عليه السلام و رئيس مذهب، تهران، دفتر نشر نويد اسلام.
- ٢٠- علوى مهر، حسين، روشها و گرايشهاى تفسيرى، قم، انتشارات اسوه، ١٣٨١.
- ٢١- قرطبى، ابو عبد الله بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق.
- ٢٢- القندوزى الحنفى، ابراهيم، ينابيع المودة لذوى القربى، تحقيق سيد على جمال اشرف الحسينى، قم، دار الاسوه، ١٤٢٢ق. و ترجمه سيد مرتضى توسليان، تهران، چاپخانه بزرگمهر.
- ٢٣- الكنجى، محمد بن يوسف، كفاية الطالب، تحقيق محمد هادى الامينى، طهران، دار احياء تراث اهل البيت، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ق.
- ٢٤- المحمودى، محمد باقر، ترجمة الامام امير المؤمنين من تاريخ دمشق لابن عساکر، مؤسسة المحمودى، الطبعة الثانية، ١٣٩٨ق.
- ٢٥- المظهري، القاضى محمد ثناء الله، تفسير المظهري، تحقيق احمد غرو عناية، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٥ق.
- ٢٦- مقدمتان فى علوم القرآن، تحقيق آرتور جفرى، طبع الخانجى، ١٣٧٢.
- ٢٧- الواحدى، ابى الحسن على بن احمد، اسباب النزول، رياض، دار الثقافة الاسلامية، ١٩٨٤م.
- ٢٨- الهيمى المكى - ابن حجر، الصواعق المحرقة، بيروت، دار الكتب العلمية.